




 Espen Stranger-Johannessen

 Sunniva Høiby-Øiset

 Sam Saf

 4

 فارسی fa

کار پیدا کردن



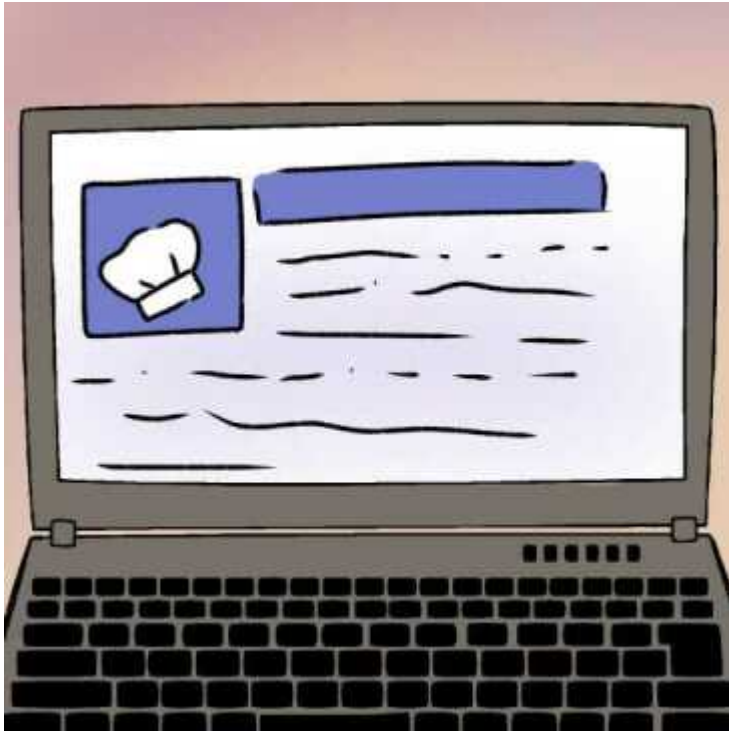
آلیتدبید گر پیدا کند، چون خانواده اش برای غذا و لابس به پول احتیج دارند.



آلیتہ در کشور خودش گر نمی کرد، اه آشپزی اون خوبه و از حرف زدن ب مردم خوشش می‌د.



تلايد بتونه تو يه رستوران گر کنه؟ آليتا تو اينترنت دنبال آگهي هي شغلي ميگرده.



اون یه آگهی پیدا می‌کنه که برای استخدام سرآشپزه. توی آگهی نوشته
که کسی رو می‌خوان که توی رستوران غذا بپزه.



اون میره واسه ملاحظه شغلی. مدیر رستوران بهش میگه که اونھ کسی
رو می خوان که بعنوان سرآشپز، آموزش دیده‌بشه.



آلیشا امید همیشه، اه اون در یک دوره آموزشی بهم «غذا و مهنداری» ثبت
بم میکنه. اون امیدواره که این دوره بتونه بهش کمک کنه تا در یک
رستوران گر پیدا کنه.



آلیسا مجبوره که به عنوان بخشی از دوره آموزشیش در یک رستوران کار کنه. اونجا بهش حقوق نمیدن، ادا این یک تجربه کاری محسوب میشه.



اون جزئیت دوره اش رو به CV اش اضافه میکنه. CV یرزومه، شرح جزئیت تدم شغلای قبلی و همینطور همه کلاس و دوره هی آموزشی گذرانده شده است.



دفعه بعدی که آلیتا برای یک ملاحظه شغلی به یک رستوران میره، بهش
یک گر پیشنهاد میشه. گر سختیه. اون بید اغلب، عصره یعنی وقتی بچه
هش از مدرسه برمیگردن خونه، سرگردشه.



اون به خودش افتخر میکنه، چون خلا یک شغل داره و میتونه پول خودش برای خانوادهش غذا و لیس بخره.



LIDA Stories

lidastories.net

کار پیدا کردن

-  Espen Stranger-Johannessen
-  Sunniva Høiby-Øiset
-  Sam Saf

